



آسیب های تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی

* علی اصغر ماشینچی، رضا غلامیان، سید علی حسینی، یعقوب علیپور

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Mashinchi56@gmail.com

دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

reza7659@yahoo.com

دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Hoseini_225@yahoo.com

دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

Alipoor_gold@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با عنوان آسیب های تربیتی و اخلاقی شکاف بین نسلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای به نگارش درآمده است. شکاف نسل ها بر قطع پیوندها و روابط بین نسلی اشاره دارد و نخستین بار در دهه ۶۰ میلادی توسط صاحب نظران اجتماعی در کشورهای غربی مطرح شد که به بررسی و ساختارشناسی اختلافات فرهنگی میان والدین و فرزندان می پرداخت. شکاف نسل ها مفهومی است که اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت گیری های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل همزمان در یک جامعه را مورد توجه قرار می دهد. تغییر دائمی اجتنابناپذیر است و امری مذموم و ناپسند شمرده نمی شود؛ اما نبود سیستمی برای جذب تغییرات و بومی کردن آن، نابرابری دسترسی به اطلاعات، انجماد فکری درباره لزوم پذیرش تحول و بدبین بودن در خصوص مظاهر دنیای جدید، تغییرات گسترده و عمیق را به عامل اصلی شکاف میان نسل ها تبدیل می کند. تغییرات در حوزه های متنوع زندگی نظیر فنی، تکنولوژیکی، فلسفه زندگی و شیوه های انجام کار دائمی است و با گسترش ارتباطات نسل های اجتماعی به تناوب از آن بهره مند می شوند. پیشرفت ها و ابداعات جدید از هر سو زندگی بشر را در برمی گیرند و نسل های جدید به فراخور علاقه و اقتضای سنی سریع تر از آن آگاه می شوند و دنیای فکری خویش را براساس آن پایه ریزی می کنند. آنها در دسترسی به اطلاعات تغییر و شناخت و یادگیری آن در جامعه نقش پیشرو را بازی می کنند و والدین و بزرگترها غالباً از غافله جا می مانند. نتایج نشان می دهد که والدین فرزند را برای زندگی در آینده تربیت نمی کنند. معیارهای تعلیم و تربیت آنها بیشتر به گذشته نظر دارد. آنان تلاش می کنند با الگو قرار دادن خویش از فرزندانشان انسانی شبیه خود بسازند. آن هم با معیارها و باورهایی که در سن و سال خودشان قبول می کنند و می پذیرند و ممکن است برای فرزند نامفهوم باشد، بنابراین والدین وظیفه دارند با احساس مسئولیت و پرهیز از بی تفاوتی، کسب آگاهی درباره فناوری ها، کسب آگاهی درباره پیامدهای تربیتی و اخلاقی آنها، راهنمایی و ارائه مشاوره به فرزندان و نظارت صحیح بر آنها جلوی آسیب های تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی را کاهش دهند.

کلیدواژه ها: آسیب های تربیتی و اخلاقی، شکاف دیجیتالی بین نسلی.



مقدمه

شکاف دیجیتالی بین نسلی که به عنوان اختلافی در نگرش یا رفتار جوانان و افراد سالمندتر تعریف شده است، موضوع بحث و بررسی دیرینه و مشترک جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، صاحب‌نظران علوم تربیتی و مردم‌شناسان فرهنگی بوده است (معیدفر، ۱۳۸۳). این مفهوم نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی و به ویژه در دهه ۶۰ در جوامع غربی مطرح شد که به نحوی اختلاف فرهنگی میان فرزندان و والدینشان را تشریح می‌کرد. در ایران نیز دهه، پنجاه، شصت از دوره‌های حساس و پرفراز و نشیبی تاریخ ایران می‌باشند. در این دوران، رویداد های مهمی از تاریخ ایران رقم می‌خورند؛ یعنی انقلاب اسلامی آغاز می‌شود و پس از آن نیز جنگ تحمیلی به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم دیگر به وقوع می‌پیوندد. این دو پدیده اجتماعی تغییرات وسیعی را در باورها و بینش‌های نسلی که در آن دوران زندگی می‌کرد بوجود آورد. نسل دیروزی که دارای تجربه جنگ و انقلاب بود امروزه در کنار نسلی زندگی می‌کند که فاقد این نوع تجربه است و این خود سبب شده است شکافی در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات، جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی این نسل (والدین) با نسل جدید (فرزندان) به وجود آید. اینک بحران شکاف نسل‌ها به هر تعبیر، مشغله‌ای از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان اجتماعی گردیده و بررسی عوامل موثر بر شکاف بین دو نسل در جامعه کنونی، از جمله مسائل حیاتی و در اولویت است (موحد، ۱۳۸۶).

امروزه سرعت تحولات اجتماعی روند شتابانی نسبت به دهه‌های قبل گرفته و در این بین تحرک بین نسل‌ها و شکاف نسل‌ها توجه بسیاری از دانشوران علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. فضای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که هر نسلی در آن قرار می‌گیرد نقش اساسی در شکل‌گیری بینش‌ها و تجربیات آن نسل دارد. برخی جامعه‌شناسان معتقدند که رابطه بین نسل‌ها باعث پویایی فرهنگ عمومی می‌شود. این تجربه افراد است که نگرش آن‌ها به زندگی را می‌سازد. بنابراین در دو برهه تاریخی مجزا تجربه‌های متفاوتی شکل می‌گیرد و نگرش، علایق و انتظارات نسل‌های قدیمی‌تر با نسل‌های جدیدتر متفاوت می‌شود؛ یا به عبارتی شکافی بین انتظارات، خواسته‌ها و نگرش‌های آنان به وجود می‌آید. منظور از شکاف نسلی شکافی است که در مقطع زمانی معین بین جوانان و بزرگسالان یک جامعه از حیث تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، نگرشی و آگاهی وجود دارد. یک شکاف نسلی در پی یک فاصله نسلی ایجاد می‌شود و منجر به ظهور هنجارها و ارزش‌های نوینی می‌گردد (محمدزاده، ۱۳۸۸).

در جوامع در حال گذار مثل کشور ما مساله شکاف نسل‌ها به عنوان یکی از مسایل اساسی اجتماعی و فرهنگی مطرح است. از منظری آسیب‌شناسانه علل و عوامل بسیاری در بروز و ظهور شکاف نسل‌ها نقش ایفا می‌کنند. یکی از این عوامل جوان بودن جمعیت کشور است. از منظری جامعه‌شناختی جوانان الگوهای رفتاری خاص خود را دارند ارزش‌گریز هستند زبان ویژه خود را دارند و از طبقه اجتماعی خود تبعیت نمی‌کنند. البته گفتنی است در جوامع کاملاً سنتی مساله شکاف نسل‌ها مساله‌ای مهم نبوده یا دقیق‌تر شکاف نسلی وجود نداشته زیرا همگی از ارزش‌ها و سنت‌هایی واحد تبعیت می‌کرده‌اند. ولی از آغاز قرن بیستم به خصوص پس از جنگ جهانی دوم، سرعت توسعه و مدرنیزاسیون در جوامع پیشرفته و سپس گسترش آن به سایر نقاط جهان، باعث تغییرات شدیدی شد که میان جوامع سنتی دیروز و جوامع مدرن امروز شکاف



عمیقی ظاهر گردید. این شکاف نسلی دگرگونی در ارزش ها و فرهنگ مسلط را به وجود می آورد که منجر به بحران هویت می شود. هویت ها که پاسخی به کیستی فرد یا اجتماعی خاص هستند با پدیده شکاف نسلی دچار بحران شده و و پیامد این بحران به خطر افتادن انسجام اجتماعی است. همانطور که ذکر شد جامعه ایرانی - اسلامی امروز نیز با توجه به پیامدهای مدرنیزاسیون و انقلاب ارتباطات در سال های اخیر و با توجه به جوان بودن جمعیت بر کنار از پدیده شکاف نسلی نبوده است (کلدی، ۱۳۸۴).

از منظر تفکر اسلامی، مسئولیت در این حوزه یک امر همگانی است و هر کس به سهم خود مسئول است. بنابراین چه نسل گذشته درباره پیامدهای تربیتی و اخلاقی فناوری های جدید به مسئولیت خود عمل کند چه نکند، نسل جدید باید خودش هم در این باره اطلاعات، آگاهی و هوشیاری لازم را داشته باشد؛ چون همان گونه که این نسل می تواند بیشترین منفعت و استفاده مفید از این فناوری ها را داشته باشد، می تواند نخستین قربانی بی اخلاقی های ناشی از این فناوری ها نیز باشد. این نسل است که باید بیش از دیگران دلسوز خودش باشد و در قبال خود و جامعه اش احساس مسئولیت نماید، بنابراین در این پژوهش محقق به دنبال نقش آسیب های تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی است.

مفهوم شکاف دیجیتالی بین نسلی^۱

شکاف دیجیتالی اصطلاحی است در اشاره به فاصله بین مردمانی که به فناوری دیجیتال و فناوری اطلاعات دسترسی موثری دارند با مردمانی که دسترسی بسیار محدودی به این فناوری ها داشته یا اصلاً دسترسی ندارند. این عبارت شامل عدم تعادل در دسترسی فیزیکی به فناوری (تکنولوژی) نیز می شود، مانند عدم تعادل در داشتن منابع و مهارت برای دسترسی مؤثر و مفید به فناوری و محسوب شدن به عنوان شهروند دیجیتال. به عبارت دیگر، شکاف دیجیتال یعنی دسترسی نابرابر برخی از اعضای جامعه به فناوری اطلاعات و ارتباطات (پناهی، ۱۳۸۷). شکاف دیجیتال با مفهوم شکاف دانش ارتباطی نزدیک دارد. شکاف دیجیتال می تواند بر پایه جنسیت، درآمد و نژاد باشد. علاوه بر وجود شکاف در یک جامعه، وجود شکاف دیجیتال بین کشورهای جهان را شکاف دیجیتال جهانی می گویند. عبارت فقر اطلاعاتی نیز در ارتباط با شکاف دیجیتالی مطرح می شود. شکاف دیجیتالی چالشی است که امروزه دنیای مجازی با آن رو به رو شده است و یکی از محورهای اصلی دومین دوره اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی تونس، به این امر اختصاص یافته است. شکاف دیجیتالی اصطلاحی است که برای بیان نابرابری های توزیع جهانی در زمینه دسترسی به تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات استفاده می شود (پازوکی نژاد، ۱۳۹۰). طبق نظریه شکاف دیجیتالی ون دایک، نابرابری در دسترسی به اطلاعات و فناوری نیست، بلکه نابرابری در مهارت استفاده از فناوری و سواد دیجیتالی است. بدین ترتیب، دانش و اطلاعات به خودی خود ارزشمند نیستند و منجر به توسعه یک فرد یا جامعه نمی شوند، بلکه مهارت استفاده از فناوری و به کارگیری دانش در دسترس اولویت و اهمیت دارد. در دهه ۱۹۹۰ و قبل از ورود رسانه های دیجیتالی، متفکران به وجود «شکاف آنالوگی» اشاره می کردند و از این اصطلاح وجود تمایز و تفاوت بر حسب تولید محتوا و دسترسی به فناوری های رسانه های سنتی نظیر رادیو، تلویزیون و تلفن را مراد می کردند. افزون بر نابرابری در دسترسی و مصرف، نابرابری های ساختاری در تولید هم وجود داشت که هنوز هم به قوت خود باقی است. همین امر موجب شد که

1- Intergenerational digital divide

رسانه‌های غربی با تسلط بر برنامه‌های خبری، تلویزیونی و فیلم‌ها در سطح جهان به تاخت و تاز در زمینه حفظ انحصار طلبانه تکنولوژی ادامه دهند (توکل، ۱۳۸۸).

مفهوم شکاف دیجیتالی بین نسلی به چگونگی تداوم فرهنگی یک جامعه از نسلی به نسل دیگر مربوط می‌شود. اگر در فرایند اجتماعی کردن، فرهنگ یک جامعه تا حد مطلوبی از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و بازتولید فرهنگی به نحو احسن صورت گیرد، میزان اشتراک فرهنگی دو نسل بالا می‌رود، اختلاف فاحشی بین دو نسل بوجود نمی‌آید، در این صورت تفاهم بین دو نسل قدیم و جدید برقرار می‌شود و بحران هویتی نیز برای نسل جدید روی نمی‌دهد. در مقابل اگر فرایند اجتماعی کردن بنا به علل داخلی و خارجی دچار مشکل شود و به طور ناقص انجام گیرد و فرهنگ جامعه در حد مطلوبی به نسل بعد منتقل نشود، تداوم فرهنگی جامعه دچار مشکل می‌شود و بین نسل جدید و قدیم شکاف می‌افتد (رازقی، ۱۳۸۸).

درباره اختلاف نسل‌ها با یکدیگر، مفاهیم متعددی به کار رفته است. گاهی صحبت از تفاوت نسلی شده است. تفاوت اندک دو نسل در ارزشها یا هنجارها یا در نگرشها، طبیعی بوده و تقریباً در همه و زمان‌ها وجود داشته است. این تفاوت عمدتاً ریشه‌ای روان‌شناختی دارد و افراد در سنین مختلف به دلیل شرایط متفاوت عاطفی و روانی از یکدیگر بازشناخته می‌شود. اختلاف دو نسل بعضاً در مفهوم انقطاع یا گسست نسلی بکار برده می‌شود و آن عبارت از اختلافی در ارزش‌ها یا هنجارها و نگرش‌هاست که موجب جدایی نسل جدید از نسل قدیم و طغیان نسل جدید در برابر نسل قدیم می‌شود. در این وضعیت، غالباً نوجوانان و جوانان می‌کوشند تا آخرین پیوندهای خود را از والدین یا نسل بالغ بگسلند و اغلب در این راه به گردن‌کشی و طغیانگری می‌پردازند (برامکی، ۱۳۸۶). گسست نسلی در خانواده میان پدر، مادر و فرزندان به معنی عدم تبعیت کامل فرزندان از پدر و مادر و تغییر گروه مرجع جوانان است. گاهی بین مفهوم شکاف نسلی، گسست نسلی و انقطاع نسلی تفاوتی قائل نشده و آنها را به جای یکدیگر بکار می‌گیرند. اما چنانچه تیزبینانه تر به این مفاهیم نگریسته شود می‌توان با توجه به شدت این مفاهیم آنها را در یک طیف قرار داد. چنانکه با توجه به شدت آن از تفاوت نسلی، شکاف نسلی، انقطاع یا گسست نسلی نام برد. به هر حال در تمایز این مفاهیم تعاریف دقیقی ارائه نشده است. اما شاید بتوان گفت مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسلها اشاره دارد، در حالی که منظور از شکاف نسلی، وجود وجوه نازل تر چنین اختلافی میان نسلهاست (ساروخانی، ۱۳۸۸).

عواملی موثر بر ایجاد شکاف دیجیتالی بین خانواده و فرزندان

در بحث شکاف دیجیتالی بین نسلی، والدین فقط یک بخش ماجرا هستند، ولی این شکاف بین نسل جدید، مدیران و برنامه‌ریزان جامعه نیز می‌تواند، ایجاد شود. از این‌رو، شاید بهتر باشد بگوییم شکاف بین نسل جدید و نسل گذشته؛ باید توجه داشت که کلمه «گذشته» در اینجا بار ارزشی منفی ندارد؛ بلکه مقصود، نسلی است که نسبت به نسل امروز از سن و سال بالاتری برخوردار است. بنابراین در بحث از شکاف بین نسلی بایستی هر یک از دو «نسلی» که در دو طرف این شکاف ایستاده‌اند را به روشنی تعریف و مشخص کرده و وظایف و مسئولیت‌های تربیتی و اخلاقی هر کدام را بیان نماییم (توکل، ۱۳۸۸).



عدم تعادل حرکتی بین دو نسل

میل نسل گذشته، بیشتر به حفظ وضع موجود و تمایل نسل جدید تغییر آن است. به هر اندازه سن انسان بالاتر می‌رود معمولاً روحیه محافظه‌کاری در او تقویت می‌شود و تمایل و انگیزه‌اش برای ورود به دنیاهای جدید و تجربه‌هایی که با آنها احساس بیگانگی می‌کند، کمتر می‌شود. از سوی دیگر، نسل جدید به خاطر روحیه پویا و جست‌وجوگر خود تمایل بیشتری به تجربه‌های جدید دارد و معمولاً نه تنها از آنها هراسی ندارد، بلکه سعی می‌کند آنچه گذشتگان برایش ترسیم کرده‌اند را مورد تردید و پرسش قرار داده و خود دست به تجربه‌های نوین بزند. آشنایی با ابزارها و فناوری‌های جدید و استفاده از آنها یکی از اموری است که در حوزه این تجربه قرار می‌گیرد، به‌ویژه که فناوری‌های جدید معمولاً امکانات، کاربردها و جذابیت‌هایی دارد که نسل امروز نمی‌تواند به آسانی از آنها چشم‌پوشی کند. وقتی این روحیه نوجویی و تنوع‌طلبی در نسل جدید که خواهان تسریع در ارتباط با دنیای امروز است، نتواند با آن روحیه محافظه‌کارانه یا حرکت آهسته‌تر نسل قدیم ارتباط متعادل و منطقی برقرار کند، طبیعی است که بین آنها فاصله‌ای ایجاد می‌شود که می‌توان آن را شکاف دیجیتالی نامید (ترابی، ۱۳۸۸).

ضعف دیالوگ و گفت و گو بین دو نسل

هر یک از نسل گذشته و نسل جدید با یکدیگر اشتراکاتی و افتراقاتی دارند؛ مثلاً در جامعه ما علقه‌ها و علاقه‌های دینی و ملی معمولاً هر دو نسل را به هم پیوند می‌زند؛ ولی از سوی دیگر، از آنجا که هر یک از این دو نسل متعلق به دو دوره زمانی مختلف هستند (دوره‌های زمانی که شاید بین آنها بیست و حتی ده سال فاصله باشد) به‌رحال هر کدام تابع شرایط زمانی خود نیز هستند و با توجه به زیست بوم فکری و فرهنگی و عوامل تأثیرگذار بر آنها از یکدیگر متمایز می‌شوند. به این مطلب، تفاوت‌هایی که ناشی از اقتضائات سنی، جسمی، روحی و سبک زندگی است، نیز اضافه کنید. را با توجه به آنچه گفته شد، اگر دو نسل با توجه به موارد افتراقی که دارند، نتوانند گسل‌های معرفتی، روحی، روانی، فرهنگی و شخصیتی که بین آنها پدید می‌آید را به درستی ترمیم کنند و همچنین نتوانند یک نوع ارتباط و گفت‌وگوی معقول و منطقی بین خود ایجاد نمایند، چراغ رابطه بین آنها خاموش یا کم‌سو می‌شود و از هم دور می‌شوند. حال اگر این فاصله، متأثر از فناوری‌های دیجیتال باشد، می‌توان گفت که شکاف دیجیتالی بین دو نسل به وجود آمده است (تیموری، ۱۳۸۷).

عدم شناخت درست نسل گذشته از دنیای امروز

عصر حاضر به درستی به نام عصر فناوری اطلاعات و عصر دیجیتالی شدن همه چیز و حتی انسان، شناخته می‌شود. فرایند تولید، توزیع و استفاده از فناوری‌های جدید، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، آن‌چنان پرشتاب است که حتی کسانی که به‌طور جدی این فرایند را پیگیری می‌کنند، گاه از همراهی با آن در می‌مانند. شعار دنیای امروز این است که «اطلاعات، قدرت است»؛ البته قدرتی که ثروت، شهرت، احترام و ده‌ها چیز دیگر را در پی دارد. به همین دلیل است که امروزه یک رقابت پایان‌ناپذیر بین جوامع مختلف و حتی بین شرکت‌های تولیدکننده اطلاعات، به‌ویژه غول‌های فناوری اطلاعات، درگرفته و هر روز شما شاهد یک فناوری یا ابزار جدید هستید و تا بیاید آن را بشناسید و از خوب و بد آن آگاه شوید یا از آن استفاده کنید، ابزاری جدید با امکاناتی جدیدتر به بازار عرضه می‌شود. در چنین وضعیتی کار برای نسل گذشته (و البته نسل فعلی هم) بسیار دشوار می‌شود. نسل والدین از یک طرف به سبب این سیر شتابناک و از سوی دیگر به دلیل مشغولیت‌های دیگری (چون تأمین هزینه زندگی) و از سوی سوم به خاطر تعلق خاطر کمتری که به این فناوری‌ها دارد، معمولاً شناخت و استفاده کمتری از خود

فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی دارد، چه رسد به اینکه بخواهد آنها را دست‌کم از منظر تربیتی و به‌ویژه تربیت اخلاقی مورد توجه قرار دهد و درباره استفاده خود یا نسل جدید از آنها تصمیم‌گیری نماید. وقتی این فقدان آگاهی و آشنایی در برابر آشنایی بیشتر و شوق روزافزون نسل جدید برای استفاده از فناوری‌ها قرار گیرد، کم‌کم موجب یک شکاف معرفتی بین دو نسل می‌شود. در اینجا البته تذکر این نکته لازم است که استفاده بیشتر نسل جدید از این فناوری‌ها لزوماً به معنای داشتن آگاهی جامع و همه‌جانبه نیست و داشتن آگاهی بیشتر هم لزوماً به معنای درست و قابل دفاع بودن همه این آگاهی‌ها نیست. در اینجا فقط سخن در این است که تفاوت معنادار معرفت و آگاهی و میزان استفاده از فناوری‌ها می‌تواند موجب شکاف و فاصله معرفتی شود و این شکاف می‌تواند موجب مشکلات تربیتی و اخلاقی شود (دانایی، ۱۳۹۰).

بحران اعتماد

ما در جامعه خودمان درباره میزان اعتماد بین نسل گذشته و نسل جدید می‌توانیم طیفی از بدبینی و عدم اعتماد کامل تا خوش‌بینی مفرط و اعتماد کامل را مشاهده کنیم. برخی از والدین سبب اعتماد بیش از اندازه‌ای که به هر دلیل به فرزندان خود دارند، آنان را با فناوری‌های جدیدی که هر روز پا به عرصه ظهور می‌گذارد تنها گذاشته‌اند و درواقع به‌نوعی، خواسته یا ناخواسته، در قبال تربیت و اخلاق فرزندان‌شان از خود سلب مسئولیت کرده‌اند؛ از سوی دیگر، برخی از جوانان نیز به نسل گذشته خود اعتماد چندانی ندارند و دست‌کم آنان را درباره مواجهه با فناوری‌های جدید یا درباره ابزارها، روش‌ها و مبانی تربیت، صاحب صلاحیت کافی نمی‌دانند و درواقع اتوریته و حجیت آنان را در این زمینه نمی‌پذیرند یا با تردید به آن می‌نگرند. اینکه چرا این حالت‌های افراطی یا تفریطی پدید می‌آید، اینک محل بحث ما نیست؛ آنچه از منظر بحث حاضر باید بر آن تأکید شود این است که هر یک از این دو حالت افراطی و تفریطی منجر افزایش فاصله دو نسل می‌شود (توکل، ۱۳۸۸).

تضعیف منابع تأثیرگذار سنتی نسبت به منابع تأثیرگذار جدید

در زمان‌های گذشته معمولاً خانواده‌ها و اطرافیان نزدیک، مثل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و در مرحله بعد، کسانی چون روحانیون و معلمان، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی فرزندان بودند. این ارتباط‌ها هم معمولاً به‌صورت حضوری و به‌قول معروف، «چهره به چهره» بود؛ اما در چند دهه اخیر با پیدایش و گسترش رسانه‌هایی، چون رادیو و تلویزیون، ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و مانند آن تا اندازه‌ای از تأثیر آن عوامل تربیتی سنتی کاسته شده و روز به روز تأثیر عوامل جدید، بیشتر آشکار می‌شود. اگر شما به اطراف خود نگاه کنید، می‌بینید که به اندازه‌ای که بچه‌های امروز وقت خود را صرف دیدن تلویزیون یا مشغول بودن با اینترنت و تلفن همراه می‌کنند با اطرافیان خود، حتی گاهی با والدین خود، انس و الفت ندارند. از منظر تربیتی، ثمره این فرایند آن می‌شود که فرزندان ما، الگوها و اصول و مبانی تربیتی و شاخصه‌های اخلاقی خود را بیشتر از رسانه‌ها می‌گیرند تا والدین خود. این امر به نوبه خود «می‌تواند» باعث فاصله افتادن بین نظام هنجاری، شاکله تربیتی و شخصیت اخلاقی نسل جدید با نسل گذشته شود (سرای، ۱۳۹۰).

عدم نگاه متعال و واقع‌بینانه به فناوری‌های ارتباطی

در بررسی تطبیقی مواجهه نسل والدین و نسل فرزندان با فناوری‌های دیجیتالی جدید، گاه شاهد نوعی عدم نگاه واقع‌بینانه و متعادل به این فناوری‌ها هستیم؛ از یک طرف با نسل گذشته مواجهیم که معمولاً نگاه بدبینانه‌اش به این فناوری‌ها بیشتر است و بیشتر نگران استفاده از این فناوری‌ها است تا عدم استفاده از آنها؛ از سوی دیگر با نسل جدید مواجهیم که میزان

خوش بینی‌اش به این ابزارها بیشتر است و اصل را بر استفاده از آنها قرار می‌دهد. به همین سبب است که مثلاً اگر شما دیدید مدل تلفن همراه فرزندان از مدل تلفن همراه والدینشان جدیدتر و قیمت آن هم بالاتر است، نباید تعجب بکنید. به نظر می‌رسد در نگاه هر یک از این دو گروه، نوعی عدم شناخت واقع بینانه دیده می‌شود و از آنجا که این دو نگاه در اقبال یا عدم اقبال به فناوری‌های دیجیتال تأثیر جدی دارد، در عمل موجب فاصله افتادن بین دو نسل می‌شود (سعادت‌مند، ۱۳۸۸).

عدم بر خورداری نسل گذشته از شرایط استفاده از فناوری‌های جدید

آشنایی و استفاده از فناوری‌های جدید نیازمند لوازم و ملزوماتی (از قبیل آشنایی با زبان انگلیسی) است که گاه نسل جدید از آن بی‌بهره یا کم‌بهره است و خود این امر موجب می‌شود که آگاهی‌اش درباره این فناوری‌ها و انگیزه‌اش برای استفاده از آنها، کمتر از نسل جدیدی باشد که معمولاً در این زمینه‌ها از نسل والدین خود جلوتر است (شیرزاد، ۱۳۸۸).

تفاوت اولویت‌ها و مشغولیت‌های دو نسل

نسل والدین، برخلاف نسل فرزندان، معمولاً بیشتر دل مشغول اموری چون تأمین هزینه‌های زندگی است و به همین علت گاهی آشنایی با فناوری‌های جدید و استفاده از آنها برای او جزو اولویت‌های نخستین محسوب نمی‌شود و طبیعتاً در این راه، وقت و هزینه چندانی هم صرف نمی‌کند. این امر می‌تواند فاصله ارتباطی دو نسل را با فناوری‌های دیجیتال بیشتر کند (توکل، ۱۳۸۸).

مسئولیت‌گریزی برخی بزرگ‌ترها

واقع مطلب این است که بزرگ‌ترها، اعم از والدین و مدیر آن جامعه، درباره تربیت فرزندان و نسل جدید، به‌ویژه تربیت اخلاقی آنها، وظایف و مسئولیت‌های بسیار سنگینی دارند. در دستورات دینی ما همان‌طور که بر احترام به پدر و مادر سفارش شده، بر وظایف آنها نیز تأکید شده است. همان‌گونه که والدین وظیفه دارند که برای فرزندان خود غذای سالم فراهم کنند و مانع از آسیب و بیماری جسمی آنان شوند، همچنین وظیفه دارند که غذای روحی، فکری و تربیتی سالمی برای آنان تهیه کنند و درباره سلامت تربیتی و اخلاقی آنان حساسیت داشته باشند. امروزه فناوری‌های جدید در کنار مزایای غیر قابل انکاری که دارند، می‌توانند موجب مشکلات و آسیب‌های جدی اخلاقی و تربیتی برای فرزندان شوند. بنابراین، هرگونه بی‌خیالی و بی‌تفاوتی والدین و دیگر بزرگ‌ترهای جامعه، علاوه بر تشدید این آسیب‌ها، موجب عمیق‌تر شدن شکاف بین نسلی می‌شود (عزیزی، ۱۳۹۱).

گسل‌های معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی

با توجه به ارتباط وثیق بین عمل و نظر انسان، هرگونه تغییر در «بینش و نگرش» انسان به جهان بر روی «کنش» او نیز تأثیر می‌گذارد. به همین سبب است که برای تربیت افراد باید قبل از هر چیز، نوع نگاه آنها را تغییر دهیم تا اثرات این تغییر در اخلاق و رفتارشان مشاهده شود. اگر بخواهیم به موضوع گفت‌وگوی حاضر از این منظر بنگریم، باید بگوییم که نگاه نسل جدید به انسان و جهان و مراوده با دنیای امروز و بهره‌گیری از مزایای آن تا اندازه‌ای با نسل گذشته تفاوت کرده است. این نسل بیشتر تمایل به ارتباط گسترده‌تر با جهان و بهره‌گیری بیشتر از مواهب و دستاوردهای آن دارد. این تفاوت نگرش در عرصه عمل و نظر، موجب ایجاد یا تعمیق گسل‌های بین نسلی می‌شود (عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۸).



آسیب‌های اخلاقی و تربیتی شکاف دیجیتالی بین نسلی

تا وقتی ما مفهوم، ماهیت و عوامل و زمینه‌های ایجاد فاصله بین دو نسل را به درستی نشناسیم، نمی‌توانیم برای رفع یا کاهش آن اقدام جدی به عمل آوریم. این آشنایی فقط برای والدین نیست؛ بلکه مدیران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و نهادهای تبلیغی و تربیتی بیش از والدین نیازمند این آشنایی هستند، چراکه شعاع، گستره و میزان تأثیر عمل آنها در کاهش یا افزایش فاصله بین نسلی گاهی، از والدین هم بیشتر است. ایجاد فاصله نامعقول و غیرمنطقی بین نسل گذشته و نسل حاضر، در طول زمان موجب پدید آمدن مشکلات و پیامدهایی می‌شود که پا را از عرصه زندگی فردی افراد فراتر نهاده و در عرصه اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد. این پیامدها را می‌توان در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، روانی، عاطفی، اقتصادی و مانند آن ردیابی کرد. برای واضح شدن مقصود، سعی می‌شود این پیامدها در چند گروه دسته‌بندی شود. مبنای این تقسیم‌بندی آن است که در بحث شکاف دیجیتالی با چند گروه مواجه هستیم و همان‌طور که تعامل این چند گروه و استفاده درست آنها از فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی می‌تواند برای همگان سودمند باشد، استفاده نادرست یا فاصله افتادن بین این گروه‌ها می‌تواند برای همه زیان‌بخش باشد (علیخانی، ۱۳۸۹). به هر حال پیامدها و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی شکاف دیجیتالی بین نسلی می‌تواند متوجه گروه‌های زیر شود:

والدین

ایجاد فاصله بین دو نسل از نظر میزان آگاهی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین، اگر به صورتی باشد که فرزندان از والدین خود جلوتر باشند و این فاصله نتواند به گونه‌ای معقول و منطقی مدیریت شود، چندین مشکل را متوجه والدین می‌کند که عبارتند از: ناتوان شدن والدین از ایفای مسئولیت‌ها و وظایف تربیتی خود در قبال فرزندان؛ علت این امر آن است که این فناوری‌ها هم مجموعه‌ای از محتواهای درست و نادرست را در اختیار فرزندان قرار می‌دهد و هم به طور غیرمستقیم بر روی اخلاق و رفتار و شخصیت آنها تأثیر می‌گذارد. حال اگر والدین درباره خوب و بد این ابزارها اطلاعات و ارزیابی‌های لازم را نداشته باشند، نمی‌توانند فرزندان خود را راهنمایی کرده و آنها را از دام‌ها و خطراتی که بر سر راهشان قرار گرفته است، آگاه سازند. در ادبیات دینی ما تأکید شده است که «لا میراث کالادب»؛ (بهترین چیزی که افراد می‌توانند از خود به ارث بگذارند، ادب و تربیت صحیح است). بر این اساس می‌توان گفت پدر و مادری که در راه تربیت فرزندان خود، به ویژه تربیت اخلاقی آنها، نتوانند توفیقی به دست آورند، وارثان خوبی هم از خود به‌جا نخواهند گذاشت. این امر البته خود تبعات دیگری را نیز در پی دارد، از جمله اینکه والدین مجبور می‌شوند هزینه‌های مادی، روحی، روانی، اجتماعی و تربیتی ناشی از تربیت نادرست فرزندان خود را نیز بپردازند؛ هزینه‌هایی که گاه بسیار سنگین است (فریدل^۱، ۲۰۰۷).

جایگزین شدن منابع و الگوهای تربیتی نامطمئن به جای والدین: اگر فقط تلفن همراه را به عنوان یکی از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی عصر جدید در نظر بگیریم، می‌بینیم که هر روز یک امکان و یک برنامه یا بازی و سرگرمی جدیدی متناسب با این فناوری تهیه و به رایگان یا با هزینه‌ای اندک در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. دسترسی به اینترنت نیز یکی از کاربردهای تلفن‌های همراه است که خود موجب می‌شود کاربران آن، با داده‌های فراوانی روبه‌رو شوند. جذابیت‌های پیدا و

1- Friedel

پنهان این امکانات از یک طرف و انس و ارتباط فرزندان با آنها از طرف دیگر، به مرور زمان موجب می‌شود که هر کدام به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نقش یک الگو یا مربی و آموزگار اخلاق و تربیت جدید برای فرزندان ظاهر شوند؛ مربیان و الگوهایی که لزوماً همگی حامل و مبلغ ارزش‌های اخلاقی و اصول تربیتی قابل قبولی نخواهند بود. اگر والدین با نقاط قوت و ضعف این مربیان جدید آشنا نباشند و نتوانند فرزندان خود و را در این زمینه راهنمایی کنند هم خود هم فرزندان با مشکلات گوناگونی دست به گریبان خواهند شد (وان، ۲۰۱۰).

تهدید نظام خانواده: هر یک از اعضای خانواده به مثابه یکی از ستون‌های نگهدارنده این ساختمان هستند که اگر آسیب ببینند به سهم خود موجب تزلزل در دیگر ارکان و آسیب دیدن کل این نهاد می‌شوند. بهره‌گیری نادرست از فناوری‌های جدید چه توسط والدین و چه از سوی فرزندان اگر در چارچوب اخلاق و دین نباشد، فرایند فروپاشی را تسریع می‌کند. حال اگر فاصله بین نسلی در خانواده ایجاد شود، طبیعتاً این مشکلات نیز تشدید می‌شوند (محمدزاده، ۱۳۸۸).

فرزندان

فرزندان را باید نخستین قربانیان تربیتی و اخلاقی شکاف و گسل دیجیتال بین-نسلی دانست؛ خواه خود آنان در این زمینه مقصر باشند یا نباشند. مواجهه نادرست با فناوری‌های جدید، بستر ساز خطرات و مخاطرات تربیتی و اخلاقی فراوانی برای این نسل می‌شود. طبیعی است که شکاف بین نسلی موجب تشدید این مشکلات و ضعف در پیشگیری از آنها می‌شود (علیخانی، ۱۳۸۹). برخی از این مشکلات از این قرار است:

افتادن در دام ارتباط‌های مشکل آفرین: یکی از مهم‌ترین وجوه و کاربردهای فناوری‌های دیجیتال عبارت است: از فراهم‌سازی ارتباط آسان، سریع و گسترده بین افراد و جوامع. در سال‌های اخیر با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی بر شدت و قوت و در نتیجه بر میزان تأثیر این شبکه‌ها نیز افزوده شده است. این شبکه‌ها در کنار مزایای فراوان و غیرقابل انکاری که دارند، بستر ایجاد ارتباط‌های نامطمئن و خطرناک نیز هستند. امکان ناشناس یا مخفی ماندن و جذابیت‌های صوتی و تصویری این رسانه‌ها، زمینه هرگونه فریب و دروغ‌گویی را فراهم می‌کند. شکل‌گیری دوستی‌های بی‌ضابطه و خلاف شرع، قانون یا عرف، یکی از پیامدهای این وضعیت است که خود مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند. فاصله افتادن بین نسل گذشته، به‌ویژه والدین و بین فرزندان موجب می‌شود که آنها نتوانند اولاً از فرو افتادن فرزندان خود در این دام‌ها مطلع شوند و ثانیاً نتوانند برای راهنمایی اخلاقی و نجات به‌موقع آنان اقدامات لازم را انجام دهند (نبوی، ۱۳۸۰).

تضییع عمر و اتلاف جوانی: کاربردهای متنوع و جذابیت‌های شکلی و محتوایی فناوری‌های جدید به‌گونه‌ای است که اگر استفاده از آنها به‌صورت درست مدیریت نشود، به مرور زمان شخص را برده و بنده خودکرده و نوعی اعتیاد ایجاد می‌کند؛ اعتیادی که گاه اثرش از اعتیاد به مواد مخدر اگر بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. مشغول شدن بیش از اندازه به این فناوری‌ها علاوه بر اینکه موجب اسراف در سرمایه‌های مادی می‌شود، نوعی اسراف و تضییع عمر و جوانی انسان را نیز در پی دارد. این وضعیت که در وهله اول به زیان خود فرد و در مرحله بعد به زیان کل جامعه است، هم از نظر عقلی و هم از نظر شرعی کاری



ناپسند به شمار می‌آید. در کتاب بحار الانوار، ج ۷، روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که در روز قیامت شخص قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر اینکه درباره چند چیز از او سؤال می‌شود از جمله: «عَنْ عُمَرِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «إِنَّكُمْ تَعْرِفُونَ عَمْرًا وَتَجَاهِلُونَ عَمْرًا» (اینکه عمر و جوانی‌اش را به چه کاری و در چه راهی گذرانده است).

محروم شدن از تجارب و راهنمایی‌های تربیتی و اخلاقی والدین: شکاف بین نسلی اگر ناشی از عدم اعتماد دو نسل باشد، موجب می‌شود که نسل جدید نتواند از دانسته‌ها و تجربه‌ها و راهنمایی‌های نسل بزرگ‌تر خود استفاده نماید؛ تجربه‌هایی که در اثر گذر سالیان فراوان و سختی‌های بسیار به دست آمده و هم اکنون می‌تواند به آسانی در اختیار نسل جدید قرار گیرد. پیامد این امر، آن است که این نسل مجبور می‌شود هزینه‌های گزافی به سبب بی‌تجربگی خود بپردازد (گود، ۲۰۰۸).

مواجه شدن با ضربه‌های روحی و روانی: مشغول شدن بیش از اندازه با فناوری‌های دیجیتال می‌تواند در طول زمان نوعی وابستگی عاطفی بین افراد ایجاد کند. این روابط وقتی به دوستی‌های غیرقابل کنترل منجر شود به همان اندازه که سریع ایجاد شده، می‌تواند قطع شود. نتیجه این امر ایجاد مشکلات روحی و روانی و گاهی انحرافات اخلاقی و تربیتی است. در این میان، متأسفانه، دختران و زنان با خطرات بیشتری مواجه هستند و میزان آسیب‌ها و مشکلات آنان نیز بیشتر است (یوسفی، ۱۳۸۳).

نقض حریم خصوصی: فناوری‌های دیجیتال به همان اندازه که عرصه‌ای برای تبادل اطلاعات است زمینه بسیار مناسبی برای سرقت اطلاعات دیگران نیز هست. کسی که با این فناوری‌ها سروکار دارد به طور خواسته یا ناخواسته و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بسیاری از اطلاعات مربوط به خود و خانواده‌اش را در معرض سرقت دیگران قرار می‌دهد. روشن است که باز کردن راه برای سرک کشیدن دیگران به حریم خصوصی انسان چه پیامدهای دهشت‌بار و خطرناکی را به‌ویژه برای جوانان و نوجوانان به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از نقض حریم خصوصی یا کاستن از پیامدهای آن، این است که بین والدین و فرزندان نوعی تعامل و ارتباط وجود داشته باشد و در این زمینه تدبیرهای لازم اندیشیده شود (کاشی، ۱۳۸۴).

آلوده شدن به ردای اخلاقی: از آنجا که کنترل و نظارت چندانی بر محتوای ارائه شده در اینترنت و دیگر فناوری‌های دیجیتال وجود ندارد و همچنین از آنجا که در فضای مجازی هم مثل فضای حقیقی همواره انگیزه‌ها، عوامل و زمینه‌های بی‌اخلاقی وجود دارد، همه افراد جامعه و به‌ویژه نوجوانان و جوانان می‌توانند در معرض آلودگی‌های اخلاقی و تربیتی این رسانه‌ها قرار گیرند. از بین رفتن حیا و عفت، افتادن در دام سوءاستفاده‌های جنسی و تشویق شدن به انجام کارهای خلاف و ناهنجاری‌های اخلاقی مختلف، برخی از پیامدهای این آلودگی‌ها است که والدین می‌توانند به شرط احساس مسئولیت و داشتن آگاهی‌های لازم، از لغزیدن پای فرزندان خود به این وادی جلوگیری نمایند (آماتو، ۲۰۱۰).

نسل‌های آینده

تبعات اخلاقی و تربیتی شکاف دیجیتالی بین نسلی نه تنها دامن‌گیر افراد و نهادهای محدود، مثل خانواده می‌شود بلکه کل جامعه و نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ چراکه به‌ویژه در دنیای امروز، سرنوشت فرد و جامعه به هم گره خورده است و بین اعتلا و انحراف اخلاقی فرد و جامعه، پیوندی وثیق ایجاد شده است. جالب اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل

1- Good
2- Amato



شکل گیری این وضعیت، همین رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال هستند. همچنین از آنجا که نسل امروز، پدران و مادران، مدیران و مسئولان نسل آینده هستند، هرگونه ضعف و نقصان اخلاقی و تربیتی آنها بر روی نسل بعدی هم تأثیر می‌گذارد. خالی شدن صندوق ذخیره اخلاقی و تربیتی جامعه و تضعیف همبستگی و همگرایی اجتماعی (با توجه به نقش اخلاق و تربیت در ایجاد و تقویت این همبستگی) از دیگر پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم فاصله افتادن بین دو نسل است (عبداللہیان، ۱۳۸۷).

مدیران و سیاست‌گذاران جامعه

همان‌گونه که گفته شد، شکاف دیجیتالی بین نسلی وقتی که موجب تغلیظ مشکلات اخلاقی و تربیتی شود، کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به مسئولیت بزرگ مدیر آن جامعه، به‌ویژه در جامعه دینی، در قبال حفظ مرزهای اخلاقی جامعه، این شکاف موجب می‌شود که آنان نیز در مدیریت خود از این جهت با مشکلات فراوانی مواجه شوند. جدای از این موضوع، مشکلات اخلاقی فضای مجازی، حتی بر روی محیط زیست و طبیعت نیز تأثیرگذار است که در اینجا دیگر وارد این بحث نمی‌شویم (عباسی‌شوازی، ۱۳۸۷).

نتیجه گیری

خانواده واحد بنیادی اجتماع است و پیوندهای نسبی و اصیل نظیر رابطه ولدی، والدی، برادری و خواهری در آن وجود دارد که از اعضای خود در برابر ناملایمات اجتماعی حمایت می‌کند. نقش این نهاد در جلوگیری از فاصله نسل‌ها بر کسی پوشیده نیست، اما به دلیل نارسایی‌های مختلف که از جنبه‌های رفتاری و روان‌شناسی قابل بررسی است، برخی خانواده‌ها نه تنها در این زمینه به یاری نسل‌های جداافتاده نمی‌شتابند، بلکه به عمیق‌تر شدن فاصله‌ها نیز دامن می‌زنند. اعطای آزادی‌های بی‌حد و حصر به فرزندان، اعتماد کامل به جامعه برای اجتماعی شدن نسل‌های نوپا، دور کردن فرزند از محیط خانواده به بهانه مشغله کاری والدین و از طریق سپردن آنها به مهد و مراکز آموزشی مشکلاتی هستند که در این حوزه مطرح می‌شود و ریشه آن را باید در رفتار و مسوولیت‌شناسی اعضای خانواده و به‌ویژه والدین جستجو کرد. علاوه بر آن، کم‌رنگ بودن پیوندهای عاطفی و ارتباطات کلامی در خانواده موجب می‌شود فاصله میان نسل‌ها تا رسیدن به مرحله بحران و آشکاری تضادهای اساسی پنهان بماند و فرصت‌های مغتنم و ارزشمندی که این نهاد برای همگرایی خانواده در اختیار دارد ناکارآمد و بی‌تأثیر شود.

از سوی دیگر والدین فرزند را برای زندگی در آینده تربیت نمی‌کنند. معیارهای تعلیم و تربیت آنها بیشتر به گذشته نظر دارد. آنان تلاش می‌کنند با الگو قرار دادن خویش از فرزندشان انسانی شبیه خود بسازند. آن هم با معیارها و باورهایی که در سن و سال خودشان قبول می‌کنند و می‌پذیرند و ممکن است برای فرزند نامفهوم باشد. اقتضایات سنی معمولاً نادیده گرفته می‌شود و والدین حتی خطاهای خویش را در دوران نوجوانی و جوانی تجربه‌های شخصی می‌پندارند و تجربه آنها را برای فرزندان قبیح تصویر می‌کنند. جالب این که آنچه در جامعه ما فرزندسالاری نامیده می‌شود، در حقیقت فرزند ابزاری است؛ چراکه فرزندان در معرض تبدیل به شخصیتی قرار دارند که والدین آرزو می‌برند در این حوزه تجربیات اصیل و بکر زندگی بیشتر در لفافه نصایح آزاردهنده و تکراری همراه با ملغمه‌ای از خاطرات، حرف‌ها و دیدگاه‌های قدیمی و غیرکاربردی به نسل‌های تازه منتقل می‌شود و آنچه نتیجه می‌دهد، گوش‌هایی است که نصیحت نمی‌گیرد و دلخوری بزرگ‌ترها که به عقل و ادراک سالم جوان‌ها مشکوکند!

نارسایی در انتقال میراث گذشتگان و تجربه‌های صحیح و کاربردی به دلیل آشکار کردن تضادها و ناهمگونی‌ها در خط مشی زندگی و اختلافات کلامی بتدریج یا یکباره به شکاف عمیق میان نسل‌ها دامن می‌زند و مشکل را حادتر می‌کند. تصویر ناعادلانه و مخربی که گاهی بزرگ‌ترها از نسل جوان می‌سازند و آنها را به بی‌اعتنایی نسبت به آموزه‌های دینی، ریشه‌های تاریخی و شوون اصیل رفتاری متهم می‌کنند، نتیجه همین ناتوانی در انتقال مفاهیم، دریافت بازخورد و اختلافات ناشی از رابطه ناقص است.

شکاف نسل‌ها جامعه را از تکاپو و اشتیاق نسل‌های جوان و تازه نفس محروم می‌سازد و عرصه را بر خلاقیت و نوآوری تنگ می‌کند. جامعه را از تبدیل شدن به یک پیکر واحد باز می‌دارد، انسجام سازنده آن را برهم می‌زند. تجارب پرسابقه و مهارت‌های ارزشمند رفتاری و عملکردی نسل‌های زنجیروار را عقیم می‌گذارد و راه‌های پیشرفت را مسدود می‌کند. جو اعتماد را از بین می‌برد و منافع فرد را بر مصالح جمعی مقدم جلوه می‌دهد. شکاف نسل‌ها در میان اعضای خانواده اختلاف و پرخاشگری به وجود می‌آورد و بحران‌های بیرونی را به محیط امن و آرام خانواده می‌کشاند، بر عصیبت اجتماعی می‌افزاید و موضع‌گیری افراد و گروه‌های سنی علیه یکدیگر را در عرصه‌های مختلف موجب می‌شود، پیوندهای عاطفی را که لازمه حیات اجتماعی انسان است بتدریج ضعیف می‌کند و بیگانگی افراد یک خانواده، فامیل، محله و شهر را با یکدیگر رقم می‌زند. شکاف نسل‌ها بحرانی است که بحران می‌آفریند، بنابراین نگاه نافذ و بلندمدت همراه با برنامه‌های مدون و کارشناسی شده از جمله راه‌های کاهش آسیب‌های تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتال بین نسلی است.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: نشر سمت.
- پناهی، محمد حسین؛ (۱۳۸۷)، شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۷، شماره ۲۶.
- پازوکی نژاد، زهرا، علیجانزاده، مریم؛ (۱۳۹۰)، تضاد ارزشی بین مادران و دختران، تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران.
- توکل، محمد و قاضی نژاد مریم؛ (۱۳۸۸)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۷، شماره ۲۶.
- ترابی، فاطمه؛ (۱۳۸۸)، تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران. انجمن جامعه‌شناسی، دوره ۴، شماره ۳.
- تیموری کاوه؛ (۱۳۸۷)، تفاهم و تقابل نسلها در نظام ارزشهای پدران و پسران. گردهمایی راهبردها و رویکردهای ساماندهی فرهنگی. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دانایی، نسرين؛ (۱۳۹۰)، «تفاوت نسل دیروز و نسل امروز». روزنامه همشهری، دوره ۶، شماره ۵.
- رازقی، کمال؛ (۱۳۸۸)، تاملی در تفاوت نسلی و هویت بومی مازندرانی. پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۳۵، شماره ۳۴.
- ساروخانی، باقر و صداقتی فرد، (۱۳۸۸)، مجتبی، شکاف نسلی در خانواده ایرانی. پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۴، شماره ۳.
- سرایی، حسن؛ (۱۳۹۰)، تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. فصلنامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۲، شماره ۱.
- سعادت‌مند، زهره، سعادت‌مند، فرزاد؛ (۱۳۸۸)، بررسی میزان نقش عوامل موثر بر شکاف شخصیتی بین نسلی در دبیرستان های پسرانه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران.



آسیب شناسی و آسیب زدایی پدیده شکاف بین نسلی (زینا، جالش باور و احکام)

اولین همایش ملی

www.apsn.bamresearch.com

- شیرزاد، امیر؛ (۱۳۸۸)، بررسی وضعیت شکاف نسلی دانشجویان پسر خوابگاه نواب دانشگاه مازندران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- عزیزی، رضا، فخرایی، سیروس، ظروفی، مجید؛ (۱۳۹۱)، عوامل مرتبط با حجاب گریزی در میان دختران و زنان ۱۵ تا ۳۰ سال شهر بوکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
- عسکری ندوشن، عباس؛ (۱۳۸۸)، آرمانگرایی توسعه و تغییرات خانواده (با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران)، مطالعه موردی در شهر یزد. پایان نامه دکترای جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
- علیخانی، علی اکبر؛ (۱۳۸۹)، نگاهی به پدیده گسست نسل ها. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- عباسی شوازی، محمدجلال، عسکری ندوشن، عباس؛ (۱۳۸۷)، آرمان گرایی در توسعه و نگرش‌های مرتبط با خانواده در ایران. مطالعه موردی در شهر یزد. پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۳۴، شماره ۳۳.
- عبداللهیان، حمید؛ (۱۳۸۷)، نسل‌ها و نگرش‌های جنسیتی، سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳.
- کاشی، غلامرضا، گودرزی محمدجواد؛ (۱۳۸۴)، نقش شکاف انداز تجربیات نسلی در ایران. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۱۶، شماره ۱۵.
- کلدی، علی رضا و مرتضی جمشیدی؛ (۱۳۸۴)، تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه انجمن جامعه شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۷.
- محمدزاده، یعقوب، جهانی، امیر؛ (۱۳۸۸)، بررسی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران با تأکید بر ارزش‌های دینی در شهر مشهد علی ربانی خوراسگانی. فصلنامه بهروز، دوره ۵۰، شماره ۴۹.
- معیدفر، سعید؛ (۱۳۸۳)، شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی شکاف نسلی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۲۳.
- موحد، مقدس؛ (۱۳۸۶)، جوانان، خانواده و جامعه پذیری، نقش خانواده در نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج. فصلنامه مطالعات جوانان، دوره ۸، شماره ۷.
- نبوی، سید حسین؛ (۱۳۸۰)، احساس شکاف نسلی، بررسی شواهد پیوستگی و گسستگی نسلی بر روی شهروندان تهرانی. پژوهش نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۸، شماره ۱۷.
- یوسفی، نریمان؛ (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل ها. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

-Amato, Penk, "Intergenerational Transmission of Divorce", Journal of Marriage & the Family, 58: 628 - 640, (2010).

- Good, Wook, World Revolution & Family Patterns", London: Free Press of Glencoe, (2008).

- Friedl, Esmal, Tribal Enterprises & Marriage Issues in Twentieth - Century Iran", In B.Doumani (ed). Family History in the Middle East: Household, Property & Gender, State University of New York, (2007).

-Van .Kaa, Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior", Population & Development Review, 27 (Supp.): 290- 331, (2010).



Educational and ethical damages of intergenerational digital divide

Abstract

This research has been written as the educational and ethical harm of the intergenerational gap using library resources. The gap between generations refers to interruptions and intergenerational relations, and was first introduced in the 1960s by social scientists in Western countries, which examined cultural and cultural differences between parents and children. The gap between generations is a concept that distinguishes between significant mental, social, cultural and significant differences in insight, beliefs, imaginations, expectations, value orientations, and behavioral patterns between two generations in a community. Permanent change is inevitable, and it is not considered disingenuous; but the lack of a system to absorb changes and localization, the inequality of access to information, the freezing of thought about the need for acceptance of change and pessimism about the manifestations of the new world, widespread and profound changes to the factor Main splits between generations. Changes in diverse areas of life, such as technical, technological, philosophy of life, and practices of permanent employment, benefit from the expansion of social-generation communication from time to time. New advances and innovations from every corner of human life include new generations of people who are quicker to learn, based on age and desire, and build their own world of thought. They are playing a leading role in accessing information and learning about it, and parents and adults often miss out on it. The results show that parents do not educate the child for life in the future. Their education criteria are more relevant to the past. They try to make a human like their own model of their child. It is with the standards and beliefs that they accept and accept in their age and may be inaccurate for the child, so the parents have a duty to feel responsible and avoid absenteeism, gain knowledge about technologies, gain knowledge of their educational and moral outcomes, Guiding and providing counseling to children and correcting them will reduce educational and ethical harm to intergenerational digital divide.

Keywords: Educational and moral damages, Intergenerational digital divide.